

انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و استفاده از سلاح: عوامل مشددهٔ تهاجم علیه اشخاص در حقوق ایران و انگلستان

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۴/۰۳

تاریخ تأیید: ۹۶/۱۰/۲۰

حسین میرمحمد صادقی^۱

استاد دانشکدهٔ حقوق دانشگاه شهید بهشتی

امیر اعتمادی^۲

دانش‌آموختهٔ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

چکیده

هنگامی که شخصی به دیگری حمله می‌کند، هدف اولیهٔ مرتکب، ایراد نوعی صدمهٔ جسمی یا روانی به بزه‌دیده است، اما در برخی موارد، مهاجم گونه‌ای انزجار را نیز نسبت به بزه‌دیده بروز می‌دهد؛ و در واقع، تهاجم همراه با انگیزهٔ شریرانه‌ای، از قبیل انگیزه‌های نژادی، واقع می‌شود. افزون بر این، گاهی مرتکب از سلاحی برای ارتکاب تهاجم استفاده می‌کند. در حقوق انگلستان، بروز انگیزه‌های یادشده و یا به‌کارگیری سلاح از سوی مهاجم، به‌مثابهٔ سرزنش‌پذیری بالاتر قلمداد شده، و در نتیجه، مجازات بیش‌تری برای وی در نظر گرفته می‌شود؛ حال آن‌که در حقوق ایران، ارتکاب تهاجم با انگیزه‌های شریرانه یا با سلاح اساساً محل توجه نبوده یا دارای قلمرو تأثیرگذاری محدودی بر میزان مجازات قابل‌اعمال است. از این رو، نوشتار حاضر می‌کوشد این خلأ قانونی را بیش‌ازپیش نمایان سازد و راهکارهایی همچون پیش‌بینی جهات تشدید عام یا خاص را پیشنهاد کند.

واژگان کلیدی: تهاجم علیه اشخاص، انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، استفاده از سلاح، عوامل مشدده.

مقدمه

تهاجم در مفهوم عام شامل مجموعه‌ای از جرایم علیه اشخاص می‌شود که منتهی به ایراد نوعی صدمه به بزه‌دیده می‌شوند و زیر عنوان جرایم غیرمهلک علیه اشخاص^۳ نیز بررسی شده‌اند. صدمهٔ وارده در تهاجم به معنای عام کلمه، اعم از صدمهٔ جسمی و روانی است. بنابراین، اصطلاح تهاجم در مفهوم اخیر شامل آن دسته از جرایمی می‌شود که تمامیت جسمی

1. Email: drsadeghi128@yahoo.com

2. Email: Am.etemadi@gmail.com

«نویسندهٔ مسئول»

3. Non-fatal offences against the person (See, e.g. Storey & Lidbury, 2009, PP. 135-152)

یا روانی اشخاص را هدف قرار می‌دهند، اما به مرگ بزه‌دیده منجر نمی‌شوند. بر این اساس، در یک دسته‌بندی که مبنای آن نوع صدمه وارده به بزه‌دیده است، می‌توان تهاجم علیه اشخاص را به تهاجم علیه تمامیت جسمی اشخاص^۱ و تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص^۲ تقسیم کرد. جرایمی از قبیل ایراد ضرب ساده^۳ و ایجاد جراحت یا صدمه جسمی شدید^۴ در زمره تهاجم‌های جسمی محسوب می‌شوند؛ و ایجاد ترس از اعمال خشونت^۵، مزاحمت^۶ و اخاذی^۷ از تهاجم‌های روانی به شمار می‌آیند (نیز، ر.ک: حاجی ده‌آبادی و اعتمادی، ۱۳۹۴: ۳۲).

در حقوق انگلستان، دو عامل تأثیرگذار در تشدید مجازات تهاجم‌ها عبارتند از: انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، و استفاده از سلاح. در واقع، از یک سو، چنانچه مهاجم در زمان ارتکاب جرم، یا بلافاصله قبل یا بعد از آن، نسبت به بزه‌دیده، نوعی خصومت نژادی یا مذهبی نشان داده باشد، انگیزه‌های نژادی یا مذهبی به‌مثابه عامل مشدده^۸ در نظر گرفته می‌شوند و تهاجم ارتكابی زیر عنوان تهاجم مشدد از لحاظ نژادی یا مذهبی^۹ قابل تعقیب است؛ و از سوی دیگر، اگر مهاجم از سلاح در ارتکاب تهاجم علیه دیگری استفاده کند، پذیرفته شده که سرزنش‌پذیری بالاتری دارد؛ در نتیجه، میزان مجازات باید تشدید شود. این در حالی است که نگاهی به رویکرد حقوق ایران روشن می‌سازد که انگیزه‌های یادشده و به‌کارگیری سلاح در زمان ارتکاب نوعی تهاجم به‌طور شایسته‌ای مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار نگرفته است.

پرسشی که باید به آن پاسخ داد، این است که در نظام کیفری ایران، اگر احراز شود، گونه‌ای از تهاجم همراه با انگیزه‌های شریانه یا با استفاده از سلاح ارتکاب یافته، مرجع قضایی چه اختیاراتی در تعیین مجازات دارد؟

فرضیه: در تهاجم علیه اشخاص، اختیارات مرجع قضایی ایرانی درباره لحاظ انگیزه‌های شریانه یا به‌کارگیری سلاح در میزان مجازات قابل‌اعمال، نامعلوم یا دارای قلمرو محدودی است.

-
1. Assault against the person's physical integrity
 2. Assault against the person's psychical integrity
 3. Battery
 4. Wounding or grievous bodily harm
 5. Causing fear of imminent use of the violence
 6. Harassment
 7. Blackmail
 8. An aggravating factor
 9. Racially or religiously aggravated assault

۱. مفهوم‌شناسی

مهم‌ترین اصطلاح‌هایی که لازم است از حیث مفهومی تبیین شوند، عبارتند از: انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و سلاح.

۱.۱. انگیزه‌های نژادی یا مذهبی

انگیزه در لغت به معنای آنچه در کسی کشش، تمایل و نیرویی درونی برای انجام کاری و رسیدن به مقصودی ایجاد کند، آمده است (انوری و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۳۱/۱). نژاد یعنی گروه بزرگی از مردم که دارای ویژگی‌های ظاهری کمابیش مشابه موروثی هستند، مانند نژاد زرد یا سیاه؛ و مذهب معادل دین یا گرایش خاصی در یک دین است که هر یک از فرقه‌های آن دین را از هم متمایز می‌کند (همان: ۲۱۳۴/۲ و ۲۴۲۸). بر این اساس، باید گفت که منظور از انگیزه‌های نژادی یا مذهبی در بحث تهاجم علیه اشخاص، این است که مهاجم مرتکب یکی از گونه‌های تهاجم شود، و افزون بر آن، در صدد برآید که انزجار نژادی یا مذهبی^۱ را موجب شود، یا با در نظر گرفتن تمامی شرایط، انزجار نژادی یا مذهبی احتمالاً ایجاد شود (See Curzon & Richards, 2007: 487). در واقع، انگیزه مهاجم از ارتکاب تهاجم علیه دیگری، بروز دادن خصومت یا تنفر از نژاد یا مذهب شخص مورد تهاجم است.

بنابراین، چنانچه مهاجم مرتکب تهاجم علیه یک شخص سفیدپوست، سیاه‌پوست، مسلمان و یا مسیحی شود، از قبیل این که بزه‌دیده را مورد ایراد ضرب قرار دهد، و به این وسیله، تلاش کند که انزجار از مثلاً سیاه‌پوستان یا مسلمانان را نشان دهد، مرتکب تهاجم مشدّد از لحاظ نژادی یا مذهبی شده است.

۱.۲. سلاح

سلاح که واژه‌ای عربی است و گاهی تحت عنوان اسلحه نیز به آن اشاره می‌شود^۲، در لغت به معنای هرگونه ابزاری که برای کشتن افراد یا دفاع از خود در جنگ یا برخوردهای خشونت‌آمیز به کار می‌رود، ابزار جنگ کردن و جنگ‌افراز آمده است (انوری و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۴۶/۱؛ ۱۳۱۶/۲). در اصطلاح حقوق کیفری، سلاح عبارت است از آلات و ادوات و ماشین‌آلات بُرنده یا له‌کننده و یا سوراخ‌کننده، مانند چماق، تفنگ، مته، بمب و غیره (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۳۸۱/۱).

1. Racial or religious hatred

۲. اسلحه در واقع صورت جمع سلاح است و واژه‌ای مفرد نیست (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۹: ۲۶۲ و ۲۶۳).

همچنین گفته شده که سلاح، ابزاری آهین است که برای جنگ، دفاع، شکار و منازعه به کار برود. سلاح بر دو گونه است: سلاح بالطبع، مانند شمشیر و تانک و توپ؛ و سلاح بالقصد، از قبیل چکش که به قصد جنگ، دفاع، منازعه، قتل و ضرب و جرح استعمال شود (ر.ک: جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ۲/۳۱۸۲). بنابراین، روشن می‌شود که واژه سلاح می‌تواند سلاح گرم - که دارای مواد انفجاری است و قابل شلیک می‌باشد - از قبیل هفت تیر و کلت، و سلاح سرد - به معنای سلاحی که فاقد مواد انفجاری است و غیرقابل شلیک می‌باشد - مانند چاقو و سرنیزه را در بر بگیرد.

۲. پیشینه قانون گذاری انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و استفاده از سلاح

در حقوق کیفری انگلستان، انگیزه‌های نژادی در درجه اول و به طور خاص به‌مثابه عامل مشدده تهاجم علیه اشخاص در قانون جرم و بی‌نظمی^۱ ۱۹۹۸ مطرح شد. مواد ۲۹ و ۳۲ این قانون، به تشدید مجازات مصادیقی از تهاجم جسمی و روانی به دلیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی تصریح کرده‌اند. یکی از عوامل مهمی که به جرم‌انگاری چنین جرایم مشددی منتهی شد، نگرانی در مورد رشد فزاینده خشونت نژادی بود که پیرو هیاهوی رسانه‌ها در پی برخی پرونده‌های جنجالی تشدید شد و به ایجاد تهاجم‌های مشدده در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ انجامید که با انگیزه‌های نژادی ارتکاب می‌یابند. افزون بر این، ترس از حملات و تهاجم‌ها با انگیزه‌های مذهبی پس از واقعه یازدهم سپتامبر منجر به تسری این مقررات به چنین مواردی در قانون ضد تروریسم، جرم و امنیت^۲ ۲۰۰۱ شد (See Clarkson, 2005, PP. 185 & 186); به گونه‌ای که ماده ۳۹ این قانون، با اصلاح قانون پیش‌گفته، انگیزه‌های مذهبی را در کنار انگیزه‌های نژادی به عنوان عامل مشدده تهاجم علیه اشخاص پذیرفت.

در سال‌های بعد، ماده ۱۴۵ قانون عدالت کیفری^۳ ۲۰۰۳ نیز بر این امر تأکید کرد که اگر جرم ارتكابی از لحاظ نژادی یا مذهبی تشدید شده باشد، دادگاه رسیدگی‌کننده باید این واقعیت را به عنوان عامل مشدده محسوب کند.^۴ نکته در خور توجه این است که ماده مورد بحث، اختصاص به جرایم تهاجم ندارد، بلکه مربوط به ارتکاب هر جرمی است که با انگیزه‌های اشاره‌شده رخ می‌دهد.

1. Crime and Disorder Act 1998

2. Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001

3. Criminal Justice Act 2003

4. See, s. 145 (2) of the Act

در حقوق کیفری ایران، اگرچه قوانین جزایی پیشین، انگیزهٔ شرافتمندانه در ارتکاب را به‌منزلهٔ یکی از جهات تخفیف تلقی می‌کردند^۱، مقررۀ قانونی خاص یا عامی وجود نداشت که به انگیزه‌های شریانه، از قبیل انگیزه‌های مذهبی، پرداخته باشد. به دیگر سخن، در صورت احراز وجود انگیزه‌های شریانه در ارتکاب تهاجم علیه اشخاص، مجازات مهاجم، تشدید نمی‌شد؛ زیرا اساساً چنین مواردی از عوامل مشدده به شمار نمی‌آمدند.

در مقابل، در انگلستان استفاده از سلاح در زمان ارتکاب تهاجم علیه دیگری، مطابق با رهنمون‌های تعیین مجازات^۲ که از سال ۱۹۸۰ گسترش پیدا کردند، می‌تواند به هنگام صدور حکم، به‌منزلهٔ عامل مشدده لحاظ شود. در همین باره، باید دانست که در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ نهادی با عنوان هیأت مشورتی تعیین مجازات^۳ ایجاد شد؛ و سپس، طبق قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، شورای رهنمون‌های تعیین مجازات^۴ به وجود آمد. در نهایت، پارلمان انگلستان به موجب قانون پزشکان قانونی و عدالت^۵ ۲۰۰۹، هر دو نهاد پیش‌گفته را منحل و شورای تعیین مجازات^۶ را جایگزین آن‌ها کرد که از سال ۲۰۱۰ شروع به کار کرده و رهنمون‌هایی در مورد تهاجم علیه اشخاص ارائه داده است (See Wasik, 2014: 48).

در ایران، به‌کارگیری سلاح به عنوان عامل مشددهٔ تهاجم علیه تمامیت جسمی اشخاص، در وهلهٔ نخست، در تبصرهٔ مادهٔ ۱۷۳ قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ متبلور شد. به موجب این تبصره و با لحاظ مفاد مادهٔ ۱۷۳ ق.م.ع. ۱۳۰۴، هرگاه جرحی با چاقو یا هر نوع اسلحه وارد می‌شد، اگر صدمهٔ واردشده موجب مرض یا سلب قدرت کار کردن از کسی که صدمه خورده در مدتی زاید بر بیست روز می‌گشت، مجازات مهاجم، حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال بود. این در حالی است که ایراد چنین صدمه‌ای بدون استفاده از سلاح، موجب محکومیت به شش ماه تا یک سال حبس تأدیبی بود. در مواردی که صدمهٔ وارده موجب مرض یا سلب قدرت کار کردن از کسی که صدمه خورده بود، نمی‌شد، یا فقط در مدت کمتر از بیست روز بود، چنانچه مهاجم از سلاحی استفاده نمی‌کرد، به یازده روز تا پنج ماه حبس تأدیبی محکوم می‌شد؛ اما در مواردی که از سلاح استفاده می‌کرد، مجازات تهاجم ارتکابی‌اش به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال افزایش می‌یافت.

۱. برای نمونه، ر.ک: بند ۳ مادهٔ ۴۵ قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ و یا بند ۳ مادهٔ ۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰.

2. Sentencing guidelines
3. Sentencing Advisory Panel
4. Sentencing Guidelines Council
5. Coroners and Justice Act 2009
6. The Sentencing Council

در مورد افزایش مجازاتِ تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص باید به لایحه قانونی راجع به مجازات حمل چاقو و انواع دیگر اسلحه سرد و اخلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی ۱۳۳۶ مراجعه کرد. در ماده ۱ این لایحه مقرر شده بود:

«هر کس به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، تظاهر یا قدرت‌نمایی کند و یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص و یا اخاذی و یا به آن وسیله تهدید و یا با کسی گلاویز شود، به سه ماه تا یک سال حبس جنحه‌ای و یا به اقامت اجباری از شش ماه تا یک سال در محلی غیر از محل اقامت خود محکوم خواهد شد».

مطابق این ماده، ارتکاب جرم مزاحمت، تهدید و اخاذی که از مصادیق تهاجم‌های روانی هستند، در صورتی که با استفاده از سلاح بود، منجر به تشدید مجازات تهاجم ارتكابی می‌شد.

۳. تشدید مجازاتِ تهاجم علیه اشخاص بر اثر انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و استفاده از سلاح

تشدید مجازاتِ تهاجم علیه اشخاص در نتیجه انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، از لحاظ شرایط و چگونگی، با تشدید مجازات تهاجم ارتكابی به خاطر استفاده از سلاح، تفاوت‌هایی دارد. از این رو، هر یک از عوامل مورد بحث به طور مجزا بررسی می‌شوند.

۳.۱. انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و تشدید مجازات

در نظام کیفری انگلستان، ماده ۲۹ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ به طور خاص به تشدید مجازاتِ تهاجم علیه اشخاص به سبب وجود انگیزه‌های نژادی یا مذهبی مربوط می‌شود. به موجب ماده مذکور، در صورتی که شخصی مرتکب یکی از جرایم ایراد جراحات یا صدمه جسمی شدید با سوءنیت (ماده ۲۰ قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱)، ایجاد صدمه جسمی خفیف (ماده ۴۷ قانون یادشده) و یا تهاجم ساده^۱ (ایجاد ترس از اعمال خشونت) شود^۲ و جرم ارتكابی از جهت نژادی یا مذهبی تشدید شده قلمداد شود، مهاجم مستوجب مجازات شدیدتری است؛ در مقایسه با مواردی که هر یک از این جرایم را بدون انگیزه‌های نژادی یا مذهبی مرتکب شود. بر این اساس، باید اضافه کرد که قانون‌گذار انگلیسی در ماده ۲۹ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ بین دو حالت تفکیک قائل شده است: در حالت اول، مهاجم مرتکب یکی از

1. Common assault

۲. در مورد مقتضیات این جرایم در حالت غیرمشدد، ر.ک. کار و جانسن، ۱۳۹۶: ۱۷۵-۱۷۸ و ۱۸۰-۱۹۰.

جرایم ایراد جرح یا صدمه جسمی شدید با سوءنیت و یا ایجاد صدمه جسمی خفیف می‌شود که در محکومیت از نوع اختصاری،^۱ مجازات مربوط عبارت است از حبس برای مدتی که متجاوز از شش ماه نباشد، یا جزای نقدی که از حداکثر مقرر تجاوز نکند و یا هر دو مجازات؛ اما در محکومیت بر حسب کیفرخواست^۲، مجازاتی که قابل‌اعمال است، حبس برای مدتی که متجاوز از هفت سال نیست، یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات خواهد بود. در حالت دوم، تهاجم ساده از سوی مهاجم ارتکاب می‌یابد که اگر محکومیت از گونه اختصاری باشد، میزان مجازات با اولین صورت از حالت پیش‌گفته یکسان است، حال آن‌که در محکومیت بر حسب کیفرخواست، مجازات قابل‌اعمال عبارت است از حبس برای مدتی که متجاوز از دو سال نیست، یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات (See Herring, 2013, PP. 116 & 117).

باید توجه داشت که اگرچه ماده فوق به جرم ایراد ضرب ساده اشاره‌ای نکرده و این امر ممکن است ایجادکننده این برداشت باشد که مجازات این جرم به دلیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی قابل تشدید نیست، اما تأکید ماده ۱۴۵ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ بر این‌که وجود انگیزه‌های مذکور باید به منزله عامل مشدده در نظر گرفته شود، در واقع، اختصاص به جرایمی دارد که در قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ مندرج نشده‌اند. به تعبیر دیگر، همان‌طور که بند ۱ ماده ۱۴۵ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ تصریح دارد، هنگامی که دادگاه در حال بررسی شدت جرمی غیر از تهاجم‌های به لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد است، در صورتی که احراز کند جرم ارتكابی با انگیزه‌های مورد بحث ارتكاب یافته است، این مورد باید عامل مشدده به شمار آید. از این رو، مجازات ایراد ضرب ساده نیز می‌تواند به دلیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، تشدید شود.

جرم مزاحمت، به‌مثابه تهاجمی علیه تمامیت روانی اشخاص، به طور خاص در ماده ۳۲ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ مورد توجه قانون‌گذار انگلیسی قرار گرفته است. مطابق بند ۱

۱. این نوع از محکومیت که ترجمه Summary conviction می‌باشد، محکومیتی است که در رسیدگی به جرایم اختصاری حاصل می‌شود، یعنی جرایمی که دارای ماهیت کمتر شدیدی هستند و تشریفات رسیدگی به آن‌ها کمتر است، از جمله این‌که در محاکمه مجرمین این جرایم، هیأت منصفه حضور ندارد. جرایم مورد بحث تنها در دادگاه‌های صلح رسیدگی می‌شوند (See Huxley-Binns & Martin, 2014: 167).

۲. این گونه خاص از محکومیت که معادل انگلیسی آن Conviction on indictment است، مربوط به جرایم قابل کیفرخواست می‌شود، یعنی جرایم شدیدی که در دادگاه جنایی و با حضور هیأت منصفه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (See Huxley-Binns & Martin, 2014, PP. 166 & 167).

این ماده، چنانچه شخصی مرتکب جرم مزاحمت ساده (ماده ۲ قانون حمایت در مقابل مزاحمت ۱۹۹۷)^۱ یا جرم مزاحمت مشدد (ماده ۴ از قانون مذکور) شود^۲ و جرم ارتكابی از لحاظ نژادی یا مذهبی تشدیدشده تلقی شود، مهاجم به دلیل تهاجم مشدد، مقصر شناخته می‌شود. افزون بر این، طبق بندهای ۳ و ۴ ماده ۳۲ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، میزان مجازات قابل‌اعمال بسته به نوع محکومیت، متفاوت خواهد بود: در مواردی که مهاجم مرتکب جرم مزاحمت ساده می‌شود، در محکومیت اختصاری، مجازات تهاجم مشدد ارتكابی، حبس برای مدتی که متجاوز از شش ماهه نمی‌باشد، یا جزای نقدی که از حداکثر مقرر تجاوز نکند و یا هر دو مجازات خواهد بود، در حالی که در محکومیت بر حسب کیفرخواست، مجازات موردنظر، حبس برای مدتی که متجاوز از دو سال نیست یا جزای نقدی و یا هر دو مجازات است. در مقابل، در جایی که جرم مزاحمت مشدد توسط مهاجم انجام می‌شود، هرچند مجازات‌های قابل‌اعمال در محکومیت اختصاری یکسان هستند، در محکومیت بر حسب کیفرخواست، حبس برای مدتی که متجاوز از هفت سال نیست، یا جزای نقدی، یا هر دو آن‌ها قابل‌اعمال می‌باشند (See also, Herring, 2013: 118).

همچنین باید خاطر نشان کرد که به موجب بند ۵ ماده یادشده، در محاکمه بر حسب کیفرخواست، اگر هیأت‌منصفه شخصی را که به جرم مزاحمت ساده همراه با انگیزه‌های نژادی یا مذهبی متهم شده، تقصیرکار قلمداد نکنند، این امکان وجود دارد که وی را مقصر به جرم مزاحمت ساده اعلام کنند. ضمن این که مطابق بند ۶ ماده ۳۲ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸، چنانچه در محاکمه بر حسب کیفرخواست شخصی که به جرم مزاحمت مشدد با انگیزه‌های نژادی یا مذهبی متهم شده، هیأت‌منصفه تشخیص دهند که شخص نسبت به جرم مورد اتهام بی‌تقصیر است، همچنان این حق را دارند که او را مقصر به همان جرم مزاحمت مشدد (بدون لحاظ انگیزه‌های مذکور) اعلام کنند.

به هر حال، در تهدید و اخاذی نیز ممکن است انگیزه‌های نژادی یا مذهبی به‌مثابه عامل مشدد در نظر گرفته شوند؛ زیرا ماده ۱۴۵ از قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مربوط به تشدید مجازات هر جرمی با انگیزه‌های یادشده است، و در واقع، به جرایم تهاجم اختصاص ندارد (See also, Ashworth & Roberts, 2013, PP. 86-103).

1. Protection from Harassment Act 1997

۲. در خصوص این گونه‌های جرم مزاحمت، ر.ک: هرینگ، ۱۳۹۲: ۹۰-۹۲.

ناگفته نماند که مفهوم اصطلاح «از لحاظ نژادی یا مذهبی تشدیدشده»^۱ که در مواد ۲۹ و ۳۲ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ به کار رفته است، طبق ماده ۲۸ این قانون قابل تبیین است. به موجب بند ۱ ماده ۲۸ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ هنگامی می‌توان گفت تهاجم ارتكابی از لحاظ نژادی یا مذهبی تشدیدشده است که مهاجم در زمان ارتكاب تهاجم، یا بلافاصله قبل یا بعد از ارتكاب آن، نسبت به بزه‌دیده، بر مبنای عضویت (یا عضویت مفروض انگاشته‌شده)^۲ بزه‌دیده در گروه نژادی یا مذهبی، خصومت^۳ نشان داده باشد، یا در مواردی که تهاجم ارتكابی تماماً یا جزئاً بنا بر خصومت نسبت به اعضای گروه نژادی یا مذهبی،^۴ بر مبنای عضویت آن‌ها در آن گروه، برانگیخته شده باشد (نیز ر.ک: کراس، ۱۳۹۳: ۱۸۵-۱۸۶). به موجب پرونده پری علیه دادستان ۲۰۰۴،^۵ در صورتی که مهاجم بیست دقیقه پس از ارتكاب تهاجم، نسبت به بزه‌دیده خصومت نژادی نشان داده باشد، برای مثال، در زمانی که پلیس در حال بازجویی از او (مهاجم) است، تهاجم ارتكابی از لحاظ نژادی تشدید نمی‌شود؛ زیرا واژه بلافاصله^۶ هم به پیش از ارتكاب تهاجم و هم به بعد از آن اشاره دارد.

برخی اصطلاح‌های به‌کاررفته در بند ۱ ماده ۲۸ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ به توضیح بیش‌تری نیاز دارند:

عضویت،^۶ در ارتباط با گروه نژادی یا مذهبی، شامل هم‌نشینی با اعضای آن گروه می‌شود و مفروض انگاشته‌شده^۷ به معنای فرض‌شده توسط مهاجم است.^۸ بنابراین، اگر زن سفیدپوستی با یک مرد پاکستانی ازدواج کند و به سبب معاشرت با پاکستانی‌ها مورد حمله قرار بگیرد، تهاجم ارتكابی از لحاظ نژادی تشدید خواهد شد (See Card, 2012: 208). همچنین در صورتی که مهاجم تصور کند که بزه‌دیده عضوی از یک گروه نژادی یا مذهبی است، و بر این اساس، تهاجمی علیه وی مرتکب شود، در حالی که در واقع، بزه‌دیده عضو گروه موردنظر نیست، باز هم مجازات تهاجم ارتكابی، قابل تشدید است.

1. Racially or religiously aggravated
2. Hostility
3. Members of a racial or religious group
4. Parry v DPP [2004] EWHC 3112
5. Immediately
6. Membership
7. Presumed
8. See, S. 28 (2) of the Crime and Disorder Act 1998

گروه نژادی^۱ یعنی گروهی از اشخاص که با توجه به نژاد، رنگ پوست، ملیت (شامل شهروندی) یا اصل و نسب ملی یا قومی مشخص می‌شوند.^۲ در پرونده راجرز^۳، ۲۰۰۷، متهم، گروهی از زنان اسپانیایی را مورد تهاجم قرار داد و آن‌ها را خارجی‌انگیزی^۴ نامید. مجلس اعیان پذیرفت که این مورد، خصومت نسبت به گروه نژادی بوده است؛ زیرا کسانی که دارای اصل و نسب بریتانیایی نیستند، در چهارچوب بند ۴ ماده ۲۸ از قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ به عنوان یک گروه نژادی، قلمداد می‌شوند.

گروه مذهبی^۵ به معنای گروهی از اشخاص است که با توجه به اعتقاد مذهبی یا فقدان اعتقاد مذهبی^۶ متمایز می‌شوند،^۷ از قبیل مسلمانان و پیروان آیین راستا فاری^۸ (اعتقاد به این که سیاهان، قوم برگزیده خداوند هستند). البته گروه ممکن است دارای هر دو ویژگی نژادی و مذهبی توأمان باشد؛ مانند پیروان آیین سیک^۹ در هندوستان.

باید دانست که مطابق بند ۳ ماده ۲۸ قانون جرم و بی‌نظمی ۱۹۹۸ چنانچه خصومتی که مهاجم نسبت به بزه‌دیده نشان داده، به هر اندازه‌ای مبتنی بر هر عامل دیگری غیر از انگیزه‌های نژادی یا مذهبی نیز باشد، همچنان امکان تشدید مجازات به سبب انگیزه‌های اخیرالذکر وجود دارد. البته بدیهی است که اگر انگیزه‌های نژادی یا مذهبی اساساً احراز نشود، مجازات تهاجم ارتكابی، قابل تشدید نخواهد بود. در پرونده دادستان علیه پال^{۱۰}، ۲۰۰۰، متهم، دربان یک مرکز تجمع را که ظاهری آسیایی داشت، مورد تهاجم قرار داد و او را کاسه‌لیس سفیدپوستان^{۱۱} و انگلیسی قهوه‌ای^{۱۲} خطاب کرد. دادگاه رسیدگی کننده مقرر داشت که چنین توهین‌هایی مربوط به نگرش بزه‌دیده نسبت به افراد انگلیسی بوده و ارتباطی به آسیایی بودن بزه‌دیده نداشته است. از این رو، پذیرفته نشد که متهم نسبت به بزه‌دیده، بر اساس عضویت او در گروه نژادی، خصومت نشان داده است.

-
1. Racial group
 2. S. 28 (4) of the Crime and Disorder Act 1998
 3. Rogers [2007] UKHL 8
 4. Bloody foreigners
 5. Religious group
 6. Religious belief or lack of religious belief
 7. S. 28 (5) of the Crime and Disorder Act 1998, inserted by S. 39 (4) of the Anti-Terrorism, Crime and Security Act 2001
 8. Rastafarians
 9. Sikhs
 10. DPP v Pal [2000] Crim LR 756
 11. A white man's arse licker
 12. A brown Englishman

به هر حال، مجازات جرایم تهاجم در مواردی که با انگیزه‌های نژادی یا مذهبی ارتکاب می‌یابند، در مقایسه با گونه‌های ساده آن، به طور درخور ملاحظه‌ای افزایش پیدا می‌کند. برای نمونه، مجازات تهاجم ساده (ایجاد ترس از اعمال خشونت) از شش ماه حبس به دو سال حبس و از پنج هزار پوند جزای نقدی به جزای نقدی نامحدود؛ مجازات ایجاد صدمه جسمی خفیف از پنج سال حبس به هفت سال حبس؛ مجازات جرم مزاحمت ساده از شش ماه حبس به دو سال حبس؛ و مجازات جرم مزاحمت مشدد از پنج سال حبس به هفت سال حبس قابل افزایش است (See Also, Ashworth, 2010: 159 & 160).

در نظام کیفری ایران، در قوانین جزایی فعلی، مقرره خاصی یافت نمی‌شود که انگیزه‌های شریانه، از قبیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، را به منزله عامل مشدده در نظر گرفته باشد. با این همه، با لحاظ مفاد قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان پذیرفت که دادگاه رسیدگی کننده مجاز است انگیزه شریانه مهاجم را در تعیین مجازات تعزیری در نظر بگیرد:

«... دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد:

الف. انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم...».

توضیح بیش‌تر این که اطلاق واژه انگیزه در بند «الف» این ماده بر آن دلالت دارد که مقصود قانون‌گذار تنها انگیزه‌های شرافتمندانه در ارتکاب جرم نبوده، بلکه انگیزه‌های شریانه را نیز مد نظر داشته است. از این گذشته، چه بسا بتوان ادعا کرد که اطلاق واژه یادشده قابل اعتنا نیست و غرض قانون‌گذار فقط انگیزه‌های سوء بوده است؛ از آن جا که انگیزه‌های شرافتمندانه طبق بند «پ» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از جهات تخفیف به شمار می‌آیند،^۱ و مطابق تبصره ۲ این ماده، هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد. بنابراین، با توجه به این که بندهای چهارگانه ماده ۱۸ در جهت اصل فردی کردن مجازات‌ها هستند و لزوماً زیر عنوان جهات تخفیف قرار نمی‌گیرند، این که دادگاه لازم است انگیزه مرتکب را در صدور حکم تعزیری مورد توجه قرار دهد، ناظر بر انگیزه‌های شریانه است؛ زیرا هیچ ضرورتی وجود ندارد که دو ماده از قانون به طور مشابه به انگیزه‌های شرافتمندانه اختصاص پیدا کنند.

۱. انگیزه شرافتمندانه معمولاً به حالتی اطلاق می‌شود که شخص در دفاع از عرض، ناموس، آبرو و شرافت خود مرتکب جرم می‌شود؛ با این حال، به نظر می‌رسد که در این بند ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ معنای عام‌تری مُراد است، و در واقع، هر انگیزه نیکویی مد نظر است که محرک جرم می‌شود، هرچند مربوط به امور شرافتی به معنای حقیقی نباشد (ر.ک: زراعت، ۱۳۹۳: ۱۶۴).

در این جا باید اضافه کرد که ارشاد قانون گذار به قضاات مبنی بر مورد توجه قرار دادن مؤلفه‌های قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از جمله انگیزه مرتکب، در تعیین کیفر، امری بدیع و ستودنی است، اما از این جهت مورد انتقاد قرار گرفته است که فقدان هرگونه ضمانت اجرایی برای این تدبیر ارزنده، در عمل آن را به یک توصیه ارشادی متروک تبدیل می‌کند (ر.ک: توجهی، ۱۳۹۴: ۳۱-۳۲). افزون بر این، هرچند ظاهراً منظور قانون گذار از قسمت اخیر ماده ۱۸ این است که دادگاه رسیدگی کننده، مجازات موردنظر را در قلمرو حداقل و حداکثر مقرر کاهش یا افزایش دهد، عدم تصریح به این موضوع، چه بسا رویه‌های متناقضی ایجاد کند، ضمن این که محدوده اختیارات قاضی رسیدگی کننده چندان روشن نیست. به هر حال، چنانچه قائل شویم که انگیزه‌های شریانه، از جمله انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، می‌توانند با توجه به بند «الف» ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ موجب تشدید مجازات شوند، این امر تنها در مورد تهاجم‌هایی قابلیت اعمال دارد که مجازات آن‌ها از نوع تعزیر است، از قبیل مزاحمت و اخاذی؛ اما در مواردی که مجازات تهاجم ارتكابی از نوع تعزیر نیست، نظیر وارد آوردن جراحت و قطع عضو، امکان تشدید مجازات مهاجم به سبب انگیزه‌های نژادی یا مذهبی (یا هرگونه انگیزه شریانه دیگر) وجود ندارد.^۱

در انتهای این بند، باید متذکر شد که به رغم این که اهداف مصلحت‌گرایانه‌ای در ورای ایجاد تهاجم‌های از لحاظ نژادی یا مذهبی مشدد در انگلستان وجود دارد، این نگرش، قابل ستایش است؛ زیرا چنین حملاتی نه تنها به بزه‌دیده خاص آسیب می‌رساند، بلکه ثبات جوامع دارای نژادها و مذاهب گوناگون و پیشرفت یک اجتماع دارای قدرت تحمل و شکیبایی را تهدید می‌کند، اما در این باره که چنین پیش‌بینی‌هایی می‌تواند موجب حمایت بیش‌تر از اعضای اقلیت‌های نژادی یا گروه‌های مذهبی شود، تردید شده است. برای مثال، در مورد تهاجم‌های مشدد بنا به ملاحظات نژادی، در ابتدا لازم است که پلیس و دادسرا حادثه رخ داده را به عنوان تهاجم نژادی ثبت و تعقیب کنند، اما ادله موجود نشان می‌دهد که در حال حاضر، این دو نهاد در این که حادثه‌ای را به منزله یک حادثه نژادپرستانه تحت پیگرد قرار دهند، تا حدی محتاط هستند. همچنین ادله‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد این تهاجم‌ها عمدتاً علیه اعضای اقلیت‌های نژادی،

۱. نباید ناگفته گذاشت که در جرم ایراد جراحت یا قطع عضو نیز، در مواردی که اجرای قصاص امکان‌پذیر نباشد و نوبت به اجرای مجازات تعزیری برسد، امکان تشدید مجازات تعزیری مطابق بند «الف» ماده ۱۸ و به سبب انگیزه‌های نژادی یا مذهبی وجود دارد.

در زمانی که بزه‌دیدگان سفیدپوست مورد حمله قرار گرفته‌اند، به کار گرفته می‌شود؛ و این در واقع، به معنی عدول از مصلحتی است که هدف از ایجاد این تهاجم‌ها در وهله نخست، تأمین آن بوده است (ر.ک: کلارکسون، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۵).

۳.۲. استفاده از سلاح و تشدید مجازات

در حال حاضر، در مقررات کیفری ایران، دو مقررۀ خاص وجود دارند که به تشدید مجازات تهاجم علیه اشخاص به دلیل استفاده از سلاح مربوط می‌شوند: تبصرۀ مادۀ ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ که به تهاجم جسمی اختصاص دارد و مادۀ ۶۱۷ همین قانون که مرتبط با تهاجم‌های روانی است. برای بررسی منسجم‌تر هر یک از این مواد، نخست، تبصرۀ مادۀ ۶۱۴، و سپس، مادۀ ۶۱۷ قانون مذکور تحلیل می‌شود.

قانون‌گذار در تبصرۀ مادۀ ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد:

«... تبصره - در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد، مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد.»

به موجب این تبصره و با لحاظ متن ماده، هرگاه شخصی عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که منتهی به نقصان یا شکستن یا ازکارافتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه نشود، اما وسیله ایراد جرح یا ضرب، اسلحه، چاقو و امثال آن باشد، مهاجم به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. به تعبیر دیگر، در مواردی که جرح یا ضرب وارده منتهی به صدمه‌های کمتری شود که با هیچ‌یک از نتایج مذکور همخوانی نداشته باشند، چنانچه آلت جرح، اسلحه، چاقو و امثال آن باشد، طبق تبصرۀ ماده، تعیین مجازات می‌شود.

در واقع، به رغم این که مطابق با تبصرۀ مادۀ ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، استفاده از سلاح در موارد پیش‌گفته به‌نوعی به‌مثابه عامل مشدده تهاجم جسمی تلقی شده، قلمرو شمول آن محدودتر از گذشته شده است، به گونه‌ای که بر خلاف تبصرۀ مادۀ ۱۷۳ ق.م.ع. ۱۳۰۴، اگر تهاجم جسمی ارتكابی، منجر به یکی از نتایج تصریح‌شده در مادۀ ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ شود و مهاجم از سلاح نیز استفاده کرده باشد، مرجع قضایی صرفاً می‌تواند مجازات تعزیری مقرر در متن این ماده را مورد حکم قرار بدهد، بدون این که استفاده از سلاح به عنوان عامل مشدده به شمار آید.

واژه اسلحه در تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ دربرگیرنده هر نوع سلاح اعم از سلاح سرد یا گرم است و منظور از «و امثال آن»، هر شیء برنده‌ای نظیر شیشه، بُریده آهن و نیزه می‌باشد و لزومی ندارد که عنوان سلاح بر آن صدق کند (ر.ک: شکری و سیروس، ۱۳۸۴: ۶۶۵)؛ زیرا ظاهراً این عبارت، تنها به چاقو برمی‌گردد، نه به هر دو عنوان اسلحه و چاقو. ضمن این که اطلاق واژه اسلحه خود شامل مصادیق زیادی می‌شود و نیازی به توسیع مجدد آن نبوده است. با این همه، ایراد ضرب عمدی با استفاده از میله آهنی و چوب از حیث جنبه عمومی، قابل مجازات نیست؛ چراکه منظور از سلاح، ابزار و وسیله‌ای است که برای جنگیدن استفاده شود و از نظر متعارف و معمول هم به آن عنوان اسلحه اطلاق شود؛ و از این رو، عرفاً میله آهنی و چوب، اسلحه محسوب نشده، مشمول تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نمی‌شوند (دادنامه شماره ۱۳۶۷/۲۰۲۷۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۱۱، شعبه ۵۷ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۵: ۷۳۶-۷۳۷). شایان ذکر است که اگر بزه‌دیده در خصوص جرم ایراد جرح عمدی با چاقو اعلام رضایت کند، دادگاه می‌تواند ضمن تعیین مجازات به موجب تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، مجازات تهاجم ارتكابی را در محدوده حداقل و حداکثر مقرر شده تخفیف دهد. در این مورد، رأی زیر در خور توجه است:

«در خصوص اتهام آقای ... دایر بر ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو ... که شکات ... رضایت قطعی خود را نسبت به مشارالیه اعلام [کرده‌اند] دادگاه ... [متهم] یادشده را از جهت جنبه عمومی جرم، به استناد ماده ۶۱۴ [قانون تعزیرات ۱۳۷۵] و رعایت بند ۱ ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی [۱۳۷۰]؛ در حال حاضر، بند «الف» ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی [۱۳۹۲] به لحاظ اعلام رضایت شکات به تحمل شش ماه حبس تعزیری ... محکوم می‌کند ...»^۱

به هر حال، تشدید مجازات تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص به سبب استفاده از سلاح در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ پیش‌بینی شده است:

«هر کس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت‌نمایی کند، یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود، در صورتی که

۱. دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۳۱۸۲۰۰۰۴۵۷ مورخ ۱۳۹۱/۵/۴، شعبه ۱۱۸۰ دادگاه عمومی جزایی تهران، مطالعه موردی. همچنین، ر.ک: نظریه مشورتی شماره ۷/۳۶۲۱ مورخ ۱۳۷۸/۱۰/۲ از اداره حقوقی قوه قضائیه. باید توجه داشت که جرم ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ از جرایم غیرقابل گذشت است؛ از این رو، رضایت شاکی صرفاً از موجبات تخفیف مجازات به شمار می‌آید؛ ر.ک: دادنامه شماره ۱۳۶۷/۲۰۲۷۰۹۹۷۰۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۵/۱۴، شعبه ۳۸ دادگاه تجدیدنظر استان تهران؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۴ (الف): ۳۵۵-۳۵۴.

از مصادیق محارب نباشد، به حبس از شش ماه تا دو سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

به موجب این ماده، اگر شخصی مرتکب مزاحمت برای اطفال و زنان شود (ماده ۶۱۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) یا از شخصی اخاذی کند (ماده ۶۶۹ قانون تعزیرات ۱۳۷۵) و از سلاح به عنوان وسیله ارتکاب جرم استفاده کرده باشد، تهاجم روانی ارتكابی، مشمول ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ می‌شود، نه ماده قانونی خاص مربوط به جرم موردنظر. باید اضافه کرد که یکی از شرایط مهم برای اعمال این ماده آن است که رفتار ارتكابی از مصادیق محاربه نباشد؛ زیرا اگر محاربه تشخیص داده شود، نوبت به اعمال مجازات تعزیری نمی‌رسد. محاربه به موجب ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم و یا ارباب آن‌ها است، به نحوی که موجب ناامنی در محیط شود. بر این اساس، به رغم این که این شرایط ممکن است در مورد جرایم مندرج در ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نیز صادق باشند، اما مطابق قسمت میانی ماده ۲۷۹ قانون ذکرشده، هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد، محارب محسوب نمی‌شود.^۱ توضیح بیش‌تر آن که با در نظر گرفتن این موضوع که جرایم ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ معمولاً با انگیزه شخصی و نسبت به یک یا چند شخص خاص ارتكاب می‌یابند، می‌توان جرم محاربه را از آن‌ها تفکیک کرد.

افزون بر این، عبارت چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر، حکایت از آن دارد که هرگونه سلاح سرد یا گرم مشمول ماده موردبحث قرار می‌گیرد، هرچند قانون‌گذار تنها از چاقو به عنوان مصداق بارز سلاح سرد یاد کرده، احتمالاً به این دلیل که این نوع از سلاح سرد به سهولت در دسترس اشخاص قرار دارد و از این رو، امکان استفاده از آن بیش‌تر است. با وجود این، باید توجه داشت که صرف برنده بودن شیء موردنظر موجب اطلاق عنوان سلاح سرد بر آن نمی‌شود، به گونه‌ای که اگر کسی قاشق غذاخوری را به گونه‌ای تیز کند که حالت بُرندگی پیدا کند، و با آن، اشخاصی را تهدید کند، یا مورد مزاحمت قرار دهد، وسیله مذکور به منزله سلاح سرد تلقی نمی‌شود (ر.ک: نظریه مشورتی شماره ۷/۴۴۵۹ مورخ ۱۳۷۳/۷/۴ از اداره حقوقی قوه قضائیه).

۱. در همین زمینه، دیوان عالی کشور، عمل متهمی را که با مراجعه به در منزل شکات و فریب آن‌ها وارد منزل شده و در داخل منزل با استفاده از چاقو و تهدید صاحب‌خانه که همگی از بانوان بودند، اقدام به سرقت طلاجات آن‌ها کرده، مشمول عنوان محارب ندانسته است؛ ر.ک: دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۹۱۰۰۰۶۴۹ مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۶، شعبه ۲۷ دیوان عالی کشور؛ پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۴ (ب): ۹۱۴-۹۱۵.

برای نمونه‌ای از تشدید مجازات تهاجم روانی ارتكابی به دلیل استفاده از سلاح، می‌توان به رأی یکی از شعب دادگاه عمومی جزایی قم اشاره کرد، که به موجب آن، شخصی به اتهام تهدید با سلاح شکاری و به استناد ماده ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، به شش ماه حبس و ۲۵ ضربه شلاق محکوم شده است؛^۱ ضمن این که مرجع رسیدگی کننده در رأی اصلاحی خود، مطابق با ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، و به عنوان مجازات تکمیلی، به دو سال ممنوعیت از حمل و استفاده از سلاح، و توقیف و نگهداری سلاح مکشوفه، حکم داده است.^۲

در خور توجه است که اگر رفتار ارتكابی مهاجم به طور همزمان مشمول تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ و ماده ۶۱۷ همین قانون شود، از مصادیق تعدد معنوی قلمداد می‌شود. برای مثال، هرگاه مهاجم با استفاده از چاقو دیگری را مورد ایراد جرح و مزاحمت قرار دهد، به گونه‌ای که رفتار ارتكابی واحدی انجام داده باشد، اما دو عنوان ایراد جرح با چاقو و ایجاد مزاحمت به وسیله چاقو بر آن صدق کند، مصداق تعدد معنوی است و به موجب ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مهاجم به مجازات اشد محکوم می‌شود.^۳ بدیهی است که این دیدگاه تنها ناظر به مجازات‌های تعزیری مندرج در مواد پیش گفته است.

در پایان بحث از مواد بالا، پرسش مهمی که باید به آن پاسخ داده شود، این است که آیا استفاده از سلاح در غیر از مواردی که تحت شمول مواد ۶۱۴ و ۶۱۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ قرار می‌گیرند، نیز می‌تواند به عنوان عامل مشدده لحاظ شود یا خیر؟ در پاسخ باید خاطرنشان کرد که در مقررات کنونی ایران، مقررۀ عام یا خاص دیگری وجود ندارد که تشدید مجازات تهاجم علیه اشخاص به دلیل استفاده از سلاح را پیش‌بینی کرده باشد. با این حال، با توجه به بند «ب» ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، به نظر می‌رسد که مرجع قضایی بتواند به‌کارگیری سلاح را در تعیین مجازات در نظر بگیرد، با این استدلال که استفاده از سلاح در ارتكاب گونه‌ای از تهاجم، در واقع، به معنای ارتكاب تهاجم به شیوه خاصی است؛ از این رو، قاضی رسیدگی کننده می‌تواند مجازات تهاجم ارتكابی را افزایش دهد. با این همه، باید یادآور شد که مؤلفه‌های ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تنها در مورد آن دسته از تهاجم‌هایی قابلیت اعمال دارند که

۱. ر.ک: دادنامه شماره ۹۳۰۹۹۷۲۵۱۱۴۰۰۲۶۵ مورخ ۱۳۹۳/۶/۲، شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی جزایی قم، مطالعه موردی.

۲. ر.ک: دادنامه (اصلاحی) شماره ۹۳۰۹۹۷۲۵۱۱۴۰۱۵۴۲ مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۵، شعبه ۱۱۴ دادگاه عمومی جزایی قم، مطالعه موردی.

۳. مشابه این دیدگاه در دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۲۰۰۴۸۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۲۵ از شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران مورد تصدیق قرار گرفته است (ر.ک: پژوهشگاه قوه قضائیه، ۱۳۹۴ (الف): ۲۸۵-۲۸۶).

مستوجب مجازات تعزیری هستند؛ مانند قطع عضو، در مواردی که امکان اجرای قصاص نباشد و نوبت به مجازات تعزیری برسد.

در مقررات جاری انگلستان، به موجب مواد ۱۱۸ تا ۱۳۶ قانون پزشکان قانونی و عدالت ۲۰۰۹، شورای تعیین مجازات انگلستان^۱ ایجاد شده و حیطة اختیارات و مسؤلیت‌های این نهاد مشخص شده است. شورای مذکور، طبق ماده ۱۲۰ قانون پزشکان قانونی و عدالت ۲۰۰۹، رهنمود قطعی مربوط به تهاجم^۲ را صادر کرده است که تکلیف مصادیق مختلفی از تهاجم علیه اشخاص را تعیین می‌کند. این رهنمون نسبت به تمامی مجرمان ۱۸ ساله و بالاتر که در تاریخ ۱۳ ژوئن ۲۰۱۱ محکوم شده‌اند، صرف‌نظر از تاریخ ارتکاب جرم، قابل‌اعمال است.

از آن‌جا که مطابق ماده ۱۲۵ قانون پزشکان قانونی و عدالت ۲۰۰۹، دادگاه باید در تعیین مجازات برای مجرم از هرگونه رهنمون تعیین مجازات که مرتبط با پرونده مجرم است، تبعیت کند، لازم است رهنمود(های) مرتبط با مواردی که مهاجم از سلاح برای ارتکاب تهاجم استفاده کرده باشد، تبیین شود. بر این اساس، باید توجه داشت که در اولین مرحله از مراحل تعیین مجازات برای تهاجم ارتكابی، دادگاه رسیدگی‌کننده لازم است طبقه جرم را مشخص کند که منعکس‌کننده درجه‌های متفاوتی از شدت می‌باشد، با در نظر گرفتن میزان صدمه وارده (شدیدتر یا خفیف‌تر) و سطح سرزنش‌پذیری مجرم (بالاتر یا پایین‌تر). شورای تعیین مجازات انگلستان، سه طبقه مختلف را در نظر گرفته که میزان صدمه وارده و سطح سرزنش‌پذیری در هر یک از آن‌ها متفاوت است؛ به گونه‌ای که برای مثال، در طبقه اول، صدمه بیش‌تر و سرزنش‌پذیری بالاتری باید احراز شود.

بنابراین، مرجع رسیدگی‌کننده برای تعیین سطح سرزنش‌پذیری مجرم، مکلف است عوامل مشدده را لحاظ کند. این عوامل به دو دسته عمده تقسیم می‌شوند: عواملی از قبیل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی که زیر عنوان عوامل مشدده مبتنی بر قانون موضوعه^۳ قرار می‌گیرند و سایر عوامل مشدده^۴ که دربرگیرنده مواردی مانند استفاده از سلاح یا چیزهای هم‌سنگ با سلاح،^۵ از قبیل به‌کارگیری اسید یا حیوان^۶ هستند. هنگامی که این عوامل مشدده شامل استفاده از سلاح، احراز می‌شوند، در واقع، میزان سرزنش‌پذیری مجرم، بالاتر تشخیص داده

1. Sentencing Council for England
2. Assault definitive guideline
3. Statutory aggravating factors
4. Other aggravating factors
5. Use of weapon or weapon equivalent
6. Use of acid or animal

می‌شود؛ و در نتیجه، در دومین مرحله از مراحل تعیین مجازات برای تهاجم ارتكابی، مجازات بیش‌تری برای مهاجم تعیین خواهد شد (See Hooper & Ormerod, 2011: 262-275).
به منظور تبیین بیش‌تر مطلب بالا، تشدید مجازات گونه‌های مختلف تهاجم جسمی در اثر عوامل مشدده مورد بحث به طور جداگانه بررسی می‌شود:

در مورد تهاجم منجر به صدمه جسمی خفیف، به موجب ماده ۴۷ از قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱، حداکثر مجازاتی که قاضی انگلیسی می‌تواند به آن حکم کند، پنج سال حبس است. اما اگر تهاجم جسمی ارتكابی، با لحاظ عوامل مشدده مورد بحث، در طبقه اول قرار بگیرد، نقطه آغازین مجازات، یک و نیم سال حبس (که از یک تا سه سال در نوسان می‌باشد) است. این نقطه آغازین مجازات، در واقع، رویکردی تشدید شده تلقی می‌شود؛ زیرا در قیاس با مواردی که عوامل مشدده‌ای وجود ندارد، مجازات بیش‌تری می‌بایست تعیین شود.

جرم ایراد جراحت یا صدمه جسمی شدید توأم با قصد دارای حداکثر مجازات حبس ابد
است (ماده ۱۸ قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱)؛ اما در مواردی که احراز شود مهاجم از سرزنش‌پذیری بالاتری برخوردار می‌باشد، چون در زمان ارتكاب تهاجم از سلاح یا چیزهای هم‌سنگ با آن استفاده کرده، و به این ترتیب، تهاجم ارتكابی در طبقه اول از طبقات مربوط به این جرم قرار بگیرد، نقطه آغازین مجازات، دوازده سال حبس (که بین نه تا شانزده سال در نوسان است) می‌باشد. در پرونده کاراکاس ۲۰۱۳^۱، مردی که سابقاً خوش‌نام بود، متعاقب سلسله‌ای از جروبحث‌ها، چهار مرتبه به بزه‌دیده چاقو زد. سرخرگ بخش ران اندام تحتانی بزه‌دیده پاره شد، صدماتی به مثانه و روده‌اش وارد آمد، و پنج پاینت^۲ خون از دست داد و به مدت دو ماه در بیمارستان بستری شد. پس از این که متهم به تقصیر خود اقرار کرد، دادگاه بدوی حکم ده سال حبس صادر کرد. دادگاه تجدیدنظر تأیید کرد که تهاجم ارتكابی در طبقه اول قرار می‌گیرد، اما در پرتو عامل مخففه شخصی^۳، مدت مجازات حبس به هشت سال کاهش یافت.

در جرم ایراد جراحت یا صدمه جسمی شدید مطابق ماده ۲۰ قانون جرایم علیه اشخاص ۱۸۶۱، حداکثر مجازات، پنج سال حبس است. در مورد این جرم، چنانچه دادگاه رسیدگی‌کننده با لحاظ عوامل پیش‌گفته، از جمله به‌کارگیری سلاح از سوی مهاجم، تهاجم ارتكابی را در طبقه اول از طبقات مربوط قرار دهد، نقطه آغازین مجازات، سه سال حبس (که دو و نیم تا چهار سال نوسان دارد)

1. Karakas [2013] 1 Cr App R (S) 46

۲. واحد اندازه‌گیری مایعات در بریتانیا؛ معادل ۰/۵۶۸ لیتر.

3. Personal mitigation

است. به عبارت دیگر، با توجه به احراز عوامل مشدده، مجازات تهاجم ارتكابی، در مقایسه با مواردی که عوامل مشدده احراز نشوند، در محدوده مقرر قانونی، افزایش می‌یابد و مرجع قضایی، مجاز به تعیین مجازات کمتر نیست. در پرونده ماریسین^۱ ۲۰۱۲ متهم با بطری به سر بزه‌دیده ضربه زد. بطری به کاررفته شکسته و بزه‌دیده متحمل صدمه‌های متعددی از ناحیه جمجمه و حدقه چشم شد. متهم در روز محاکمه به تقصیر خود اقرار کرد و قاضی رسیدگی کننده، تهاجم ارتكابی را در طبقه اول قرار داد و نقطه آغازین چهار و نیم سال حبس را در نظر گرفت. در مرحله تجدیدنظرخواهی، دادگاه تجدیدنظر اظهار داشت که اگرچه آشکارا صدمه شدیدی وجود داشته، از حیث سرزنش‌پذیری، استفاده از سلاح موردنظر دلالت بر عدم برنامه‌ریزی قبلی داشته است. از این رو، ترکیبی از عوامل مشدده و مخففه لحاظ شده و در نهایت سه سال حبس برای مهاجم تعیین شد (See Wasik, 2014, PP. 264 & 265).

در خصوص جرم تهاجم ساده (ایجاد ترس از اعمال خشونت) که طبق ماده ۳۹ قانون عدالت کیفری ۱۹۸۸ مستوجب حداکثر شش ماه حبس است، با توجه به رهنمود موردبحث، در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده با در نظر گرفتن عوامل مشدده، از قبیل تهدید به استفاده از سلاح یا استفاده عملی از آن،^۲ تهاجم ارتكابی را در طبقه اول از طبقات مربوط به این جرم قرار دهد، به عنوان نقطه آغازین مجازات، باید به مجازات اجتماعی سطح بالا^۳ شامل مواردی از قبیل ۱۵۰ تا ۳۰۰ ساعت کار بدون مزد، حکم کند.

باید خاطر نشان کرد که رهنمود قطعی مربوط به تهاجم، شامل تمامی مصادیق تهاجم علیه اشخاص نمی‌شود؛ به گونه‌ای که اگرچه شامل ایجاد صدمه جسمی خفیف، ایراد جراحت یا صدمه جسمی شدید (فقره‌های شدیدتر تهاجم جسمی) و تهاجم ساده (گونه‌ای از تهاجم‌های روانی) می‌شود، دیگر مصادیق تهاجم علیه اشخاص، یعنی ایراد ضرب ساده، مزاحمت و اخاذی را در بر نمی‌گیرد. با این همه، از آن‌جا که مطابق ماده ۱۴۳ قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳، دادگاه رسیدگی کننده در بررسی شدت هر جرمی باید سرزنش‌پذیری مجرم در ارتكاب جرم مربوط^۴ را لحاظ کند، و بر اساس آن، مجازات متناسبی تعیین کند (See also, Easton, 2013: 140)، به نظر می‌رسد که استفاده از سلاح در ارتكاب گونه‌های اخیرالذکر از تهاجم علیه اشخاص نیز بتواند به‌مثابه سرزنش‌پذیری بیش‌تر مهاجم در نظر گرفته شود؛ و در نتیجه، مجازات تهاجم

1. Morrison [2012] 2 Cr App R (S) 594

2. Threatened or actual use of weapon

3. High level community sentence

4. Offender's culpability in committing the offence

ارتكابی افزایش یابد. در واقع، باید پذیرفت که هنگامی که مهاجم از سلاح به منظور ترساندن یا آسیب رساندن به بزه‌دیده استفاده می‌کند، در مقایسه با مواردی که سلاحی به کار نمی‌گیرد، قابلیت سرزنش‌پذیری بالاتری دارد.

۴. وجوه افتراق و اشتراك نظام‌های کیفری

وجوه افتراق و اشتراك نظام‌های کیفری ایران و انگلستان در خصوص عوامل مشدده بحث‌شده، در جدول زیر به صورت خلاصه ذکر می‌شود:

عوامل مشددهٔ تهاجم علیه اشخاص
الف. انگیزه‌های نژادی یا مذهبی
<p>۱. در نظام کیفری انگلستان، انگیزه‌های نژادی یا مذهبی به طور خاص دربارهٔ مصادیق مهم‌تر تهاجم علیه اشخاص مورد توجه قرار گرفته، منجر به تشدید مجازات تهاجم ارتكابی می‌شوند. افزون بر این، انگیزه‌های یادشده ممکن است به‌مثابهٔ عامل مشددهٔ سایر جرایم (از جمله، مصادیق کم‌اهمیت‌تر تهاجم علیه اشخاص) نیز مد نظر قرار گیرند. در نظام کیفری ایران، انگیزه‌های شریانه، شامل انگیزه‌های نژادی یا مذهبی، تنها ممکن است در تعیین مجازات جرایم تعزیری لحاظ شوند.</p> <p>۲. در حقوق کیفری انگلستان، مجازات تهاجم ارتكابی به علت انگیزه‌های نژادی یا مذهبی هنگامی تشدید می‌شود که مهاجم در زمان ارتكاب تهاجم، یا بلافاصله قبل یا بعد از ارتكاب آن، نسبت به بزه‌دیده، بر مبنای عضویت (یا عضویت مفروض‌انگاشته‌شده) بزه‌دیده در گروه نژادی یا مذهبی، خصومت نشان داده باشد، یا در مواردی که تهاجم ارتكابی تماماً یا جزئاً بنا بر خصومت نسبت به اعضای گروه نژادی یا مذهبی، بر مبنای عضویت آن‌ها در آن گروه، برانگیخته شده باشد. در حقوق کیفری ایران، از آن‌جا که مقررۀ معینی دربارهٔ تشدید مجازات تهاجم علیه اشخاص به سبب انگیزه‌های موردبحث وجود ندارد، شرایط خاصی در این مورد قابل ذکر نیست.</p>
ب. استفاده از سلاح
<p>۱. در مقررات کیفری ایران، تشدید مجازات تهاجم جسمی به سبب استفاده از سلاح به طور خاص (و به نوعی) در ایراد جرح یا ضرب، با لحاظ شرایطی پیش‌بینی شده است. افزون بر این، قانون‌گذار ایرانی در مواردی که از سلاح به عنوان وسیلهٔ ارتكاب مزاحمت و یا اخاذی استفاده شود، تهاجم روانی ارتكابی را مستلزم مجازات بیش‌تری قلمداد کرده است. در خصوص مصادیق دیگر تهاجم علیه اشخاص که در مواردی ممکن است مستوجب مجازات تعزیری باشند، با در نظر گرفتن بند «ب» مادهٔ ۱۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، باید قائل شد که به‌کارگیری سلاح در ارتكاب تهاجم، در واقع، به معنای ارتكاب تهاجم به شیوهٔ خاصی است؛ و در نتیجه، مجازات تهاجم ارتكابی می‌تواند افزایش یابد. در مقررات کیفری انگلستان، به موجب رهنمود قطعی مربوط به تهاجم، ایجاد</p>

صدمهٔ جسمی خفیف، ایراد جراحت یا صدمهٔ جسمی شدید، و تهاجم ساده، در صورتی که با استفاده از سلاح ارتکاب یابند، مستوجب مجازات بیش‌تری هستند. ضمن این‌که قانون عدالت کیفری ۲۰۰۳ مقررۀ عامی را پیش‌بینی کرده است که دربرگیرندهٔ تشدید مجازات سایر گونه‌های تهاجم علیه اشخاص است، در مواردی که از سلاح برای ارتکاب آن‌ها استفاده شود.

۲. در حقوق ایران، مهم‌ترین شرط لازم برای تشدید مجازات تهاجم جسمی، این است که متهمی به ضایعات مقرر در مادهٔ ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ نشود و آلت جرح یا ضرب، اسلحه، چاقو و امثال آن باشد. در تهاجم روانی علیه اشخاص نیز چنانچه وسیلهٔ ارتکاب جرم مزاحمت و یا اخاذی، چاقو یا هر نوع اسلحهٔ دیگر باشد و رفتار ارتكابی از مصادیق محاربه تشخیص داده نشود، مجازات مهاجم افزایش خواهد یافت. در حقوق انگلستان، در مرحلهٔ اول از مراحل تعیین مجازات، دادگاه رسیدگی‌کننده لازم است طبقهٔ تهاجم ارتكابی را با لحاظ عواملی، از قبیل سطح سرزنش‌پذیری متهم، مشخص کند. بر این اساس، اگر مهاجم از سلاح استفاده کرده باشد، دارای قابلیت سرزنش‌پذیری بالاتری است؛ و در نتیجه، در مرحلهٔ دوم از مراحل تعیین مجازات، مجازات بیش‌تری برای او در نظر گرفته می‌شود.

نتیجه‌گیری

در حقوق کیفری ایران، مقررۀ عام یا خاصی وجود ندارد که به تشدید مجازات تعزیری تهاجم علیه اشخاص به دلیل انگیزه‌های شریانه، از جمله انگیزه‌های مذهبی، تصریح کرده باشد و به رغم این‌که قانون‌گذار به‌نوعی تلاش کرده در مواردی که مهاجم از سلاح استفاده می‌کند، برخورد سخت‌گیرانه‌تری اعمال کند، این امر عمدتاً به سوی تهاجم علیه تمامیت روانی اشخاص سوق داده شده است؛ به گونه‌ای که به‌کارگیری سلاح در ارتکاب تهاجم جسمی تا اندازهٔ زیادی نادیده انگاشته شده است.

بنابراین، شایسته است که تشدید مجازات تهاجم علیه اشخاص به دلیل انگیزه‌های شریانه مورد توجه و تصریح قرار بگیرد. آنچه می‌تواند این رویکرد مشدد را تقویت کند، این است که در فقه امامیه پذیرفته شده که اگر مسلمان به قتل کافر عادت کرده باشد، کشته می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۳۱: ۸۶؛ محقق داماد، ۱۳۹۶: ۷۶-۸۰). توضیح بیش‌تر این‌که اگرچه این مورد مرتبط با جرم قتل است و اصطلاح تهاجم شامل این جرم نمی‌شود، اما حکایت از امکان تشدید مجازات به دلیل انگیزه‌های شریانه دارد؛ چراکه مسلمان به طور معمول به دلیل [قتل] کافر کشته نمی‌شود.

پیشنهاد بالا به دو صورت قابل اعمال است: در صورت نخست، انگیزه‌های مذکور می‌توانند به طور خاص به منزله عامل مشددهٔ تهاجم علیه اشخاص در نظر گرفته شوند؛ و در صورت دوم، امکان پیش‌بینی جهات تشدید عام قابل تصور است. به تعبیر دیگر، همان‌طور که هم‌اکنون مواد خاصی از قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به جهات تخفیف مربوط می‌شوند، می‌توان موادی از قانون یادشده را به جهات تشدید، اختصاص داد؛ و از این طریق، تمامی مواردی را که مستلزم تشدید مجازات جرم ارتكابی هستند، از جمله انگیزه‌های شریانه، تجمیع کرد. نباید ناگفته گذاشت که ضرورتی ندارد انگیزه‌های شریانه محدود به انگیزه‌های نژادی یا مذهبی شوند؛ برای نمونه، اگر شخصی مرتکب تهاجم علیه دیگری شود، و در اثنا ارتكاب آن، انزجار خود را از قشر مردان یا زنان بروز دهد، این مورد بتواند به مثابه انگیزه‌های شریانه محسوب شود.

هرگاه صورت دوم از پیشنهاد یادشده پذیرفته شود، به کارگیری سلاح می‌تواند به عنوان یکی از جهات تشدید در تعیین مجازات برای تهاجم علیه اشخاص لحاظ شود. در غیر این صورت، ضروری است که تشدید مجازات تهاجم جسمی، به طور خاص، در قلمرو وسیع‌تری پیش‌بینی شود؛ زیرا در حال حاضر منحصر به تهاجم‌های جسمی‌ای است که در محدوده تبصره ماده ۶۱۴ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ گنجانده می‌شوند.

منابع

الف - فارسی

۱. انوری، حسن؛ و همکاران، فرهنگ فشرده سخن، ج ۱ و ۲، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۵، چاپ سوم.
۲. پژوهشگاه قوه قضائیه، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، سال ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۵، چاپ اول.
۳. _____، مجموعه آرای قضایی دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران (کیفری)، تیر، مرداد و شهریور ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴ (الف)، چاپ اول.
۴. _____، مجموعه آرای قضایی شعب دیوان عالی کشور (کیفری)، مهر، آبان و آذر ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴ (ب)، چاپ اول.
۵. توجهی، عبدالعلی، آسیب‌شناسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۴، چاپ اول.

انگیزه‌های نژادی یا مذهبی و استفاده از سلاح: عوامل مشدده تهاجم علیه اشخاص ... ۴۵

۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۱ و ۳، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش، ۱۳۸۸، چاپ چهارم.
۷. حاجی ده‌آبادی، احمد؛ و امیر اعتمادی، «*اخذی در حقوق کیفری ایران و انگلستان*»، فصلنامه مطالعات حقوقی، ۱۳۹۴، دوره ۷، ش ۴، زمستان، ص ۳۱-۵۶.
۸. حسینی، سیدمحمد، *فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی*، عربی به فارسی، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۸۹، چاپ سوم.
۹. زراعت، عباس، *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی*، کلیات، ج ۲، تهران: انتشارات جاودانه، ۱۳۹۳، چاپ اول.
۱۰. شکر، رضا؛ و قادر سیروس، *قانون مجازات اسلامی در نظم کنونی*، تهران: نشر مهاجر، ۱۳۸۴، چاپ چهارم.
۱۱. کار، کلودیا؛ و مورین جانسن، *سرآغازی بر حقوق کیفری انگلستان و ویلز*، ترجمه امیر اعتمادی، تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۶، چاپ اول.
۱۲. کراس، نوئل، *درآمدی بر حقوق کیفری و عدالت کیفری در انگلستان و ویلز*، ترجمه امیر اعتمادی، تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۳، چاپ اول.
۱۳. کلارکسون، کریستوفر، *حقوق جزای اختصاصی انگلستان و نقش حقوق جزا در جامعه*، ترجمه حسین میرمحمد صادقی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، چاپ اول.
۱۴. محقق داماد، سیدمصطفی، *فقه استدلالی جزایی تطبیقی (شرح تفصیلی بر مبحث العقوبات نهج الحق علامه حلی)*، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۹۶، چاپ اول.
۱۵. هرینگ، جانانان، *مبانی حقوق کیفری انگلستان*، ترجمه امیر اعتمادی، تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، چاپ اول.

ب - عربی

ریاض المسائل، الجزء الرابع قم: مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴، الطبعة الثانیة.

ج - لاتین

17. Ashworth, Andrew, *Sentencing and Criminal Justice*, Fifth edition, New York, Cambridge University Press, 2010.
18. Ashworth, Andrew and Roberts, Julian V., *Sentencing Guidelines: Exploring the English Model*, First Edition, New York, Oxford University Press, 2013.
19. Card, Richard, *Card, Cross and Jones Criminal Law*, Twentieth Edition, London, Oxford University Press, 2012.

20. Clarkson, C.M.V., *Understanding Criminal Law*, Fourth Edition, London, Sweet & Maxwell, 2005.
21. Curzon, L. B. and Richards, P. H., *The Longman Dictionary of Law*, Seventh Edition, London, Pearson Education Limited, 2007.
22. Easton, Catherine, *Course Notes: The English Legal System*, London, Routledge, 2013.
23. Herring, Jonathan, *Criminal Law Statutes 2012-2013*, London: Routledge, First Published, 2013.
24. Hooper, Anthony and Ormerod, David, *Blackstone's Criminal Practice 2012*, 22nd Edition, New York, Oxford University Press, 2011.
25. Huxley-Binns, Rebecca and Martin, Jacqueline, *Unlocking the English Legal System*, Fourth Edition, London, Routledge, 2014.
26. Storey, Tony and Lidbury, Alan, *Criminal Law*, Fifth Edition, London, Routledge, 2009.
27. Wasik, Martin, *A Practical Approach to Sentencing*, Fifth Edition, New York, Oxford University Press, 2014.